

محمد - محیط طباطبائی

سید و اتابك

توضیحی دربارهٔ ماموریت دیپلوماسی سید در روسیه

در شماره قبل مقالهٔ راجع بادعای مجعول سید جمال‌الدین اسدآبادی معروف بافغانی بقلم دوست فاضل گرامی آقای ابراهیم صفائی نگاشته شده بود که بافضائل وافکار بلند سید قبول آن بسی دشوار و باید بیشتر مورد تأمل و تحقیق قرار گیرد. سید جمال‌الدین بسبب شهرت کم نظیرش در شرق و غرب از طرفی و از سوی دیگر چون اندیشه‌های تابناکش منافع عدهٔ بیشماری از متنفذین و صاحبان جاه و مال را که بیشتر منسوب بدستگاه‌های استبدادی بودند مورد تهدید قرار میداده لاجرم بنام‌وی نامه‌هایی ساخته و پرداخته تا بخیال خود بمقام شامخ وی تزلزلی وارد سازند. ازینرو از دانشمند استاد آقای محیط طباطبائی که اطلاعات جامعی در این باره دارند خواستار شدیم که تحقیقات خویش را در این موضوع مرقوم دارند و اینک توضیحی را که برشتهٔ تحریر درآورده‌اند از نظر خوانندگان ارجمند میکندد.

ارمغان

وقتی سید جمال‌الدین از پاریس به ایران بازگشت و بنا به دعوت محمد حسن خان اعتماد السلطنه از بوشهر عازم طهران شد، میرزا علی اصغر خان امین السلطان که با مرگ رجال معمر دربار قاجاریه راه برای ترقی و پیشرفت او بی‌مانع و باز شده بود گویا در وجود سید مانعی جهت کار خود تصور کرد و پیش از آنکه سید از اصفهان بگذرد و به کاشان و قم برسد حاجی محمد حسن امین‌الضرب را که در کارضرا بخانه دستیار او بود و ادار کرد که تلگرافی قبول میزبانی و مهمانداری بکند و از او دعوت نماید که در سرای او منزل گزیند و بدین ترتیب سید را از چنگ

اعتماد السلطنه رقیب خود بیرون آورد و زیر نظر یکی از دوستان صمیمی خود قرار داد.

سید به تصور آنکه در طهران زمینه‌ای جهت تحول و اصلاح امور سیاسی فراهم آمده در ملاقات پاشاه و وزیر و مستوفی و دبیر زبان بگشود و راه آزادی و قانون و صلاح را بنمود.

رجال دولت و از جمله امین‌السلطان، که از دوام غفلت ملت کار دنیایشان بکام بود خطر بقای او را در تهران به ناصرالدین شاه گوشزد کردند و اسباب را بطوری فراهم کردند که سید نیز صلاح خود را در قبول دعوت میزباننش جهت سفر به مسکو دید و از ایران به روسیه رفت.

سید در توقف پاریس و نشر مجلهٔ عروة الوثقی با یکی از روزنامه نویسان معروف روس کاتکسوف نام آشنا شده بود و در روسیه تصور وجود زمینهٔ مساعدی برای برانگیختن روسها بر ضد انگلیسها میکرد و دست به کار تبلیغ شد و از هر پیش آمد تازه‌ای در ایران و افغانستان و سرحدات شمال غربی هند به سود و قصد وهدف خود استفادهٔ تبلیغاتی میکرد. در این اوان امین‌السلطان موجبات نزدیکی شاه را به انگلستان فراهم میکرد تا مقدمه پذیرائی آن دولت را از وی که در سفر دوم دست در پیش روی او دراز کرده بودند فراهم آورده برای تأمین این هوای نفس به انگلیسها صورت مساعد و موافقی نشان داده میشد و شرکت لینچ اجازه گرفت قایقهای بخاری او از محمرة تا ناصری را از راه کارون طی کنند. سید جمال که رنجیده و آزرده از دسایس عمال طهران در روسیه به حالت تبعیدی بسر میرد در جراید روسیه مقاله نوشت و معایب کار کارون را بزرگ کرد و نشان داد. مناعت طبع و بی‌اعتنائی سید به مقامات سیاسی، علاء‌الملک را که در پست وزارت مختاری پترسبورگ نسبت به سید ناراضی کرده بود مأموریت یافت مراقب حال سید باشد

و از تجدید تذکره او خودداری کرده سید که یکی یا دو بار با تجدید تذکره جواز اقامت از پلیس روسیه گرفته بود در سال ۱۳۰۶ که شاه عازم اروپا شده و از راه روسیه به سوی پاریس و لندن میرفت موفق به تجدید تذکره و دریافت پروانه اقامت نشد.

علام الملك لابد به دستور امین السلطان از ملاقات او با شاه در پترسبورگ ممانعت بعمل آورد ولی محرمانه با مخبر الدوله و اعتماد السلطنه گویا ملاقاتی دست داد. وقتی سفر شاه به اروپا انجام گرفت و با همراهانش از راه اطریش به سوی ایران باز می آمد سید که دیگر حق دوام توقف در روسیه را نداشت از روسیه به وینه پایتخت اطریش آمد تا بسوی پاریس برود. در مهمانخانه ای که محل توقف همراهان شاه بود با اعتماد السلطنه ملاقات کرد و اعتماد السلطنه دریافت که رفتن سید خشم آلوده به پاریس و استفاده از آزادی قلم در مطبوعات او را برای شاه و وزیرش عاقبت خوشی را در بر ندارد لذا امیان او و امین السلطان وسیله ملاقاتی فراهم آورد. امین السلطان از مشکلات کار خود در موارد سیاسی با سید گله کرد و سید که تا حدی به سیاست روسیه نسبت به ایران و افغانستان آشنائی یافته بود امکان رفع اختلاف میان ایران و روس را بر سرپاره ای امتیازات که به انگلیس داده بودند به او خاطر نشان ساخت و امین السلطان جهت اینکه سید را از قصد رفتن به پاریس منصرف سازد، او را دنبال نخود سیاه به روسیه فرستاد. سید که در عین دانائی و بینائی و وقوف بر مطاوی سیاست مشرق مردی صریح اللہجه و یکدنده بود، دمدمه افسونگرانه او را خورد و قبول مأموریت کرد و پس از يك دیدار با شاه عازم روسیه شده در اینکه سید وضع غیرعادی در این سفر جدید به روسیه پیدا کرده است از تذکره سیاسی که به او در این تاریخ در اطریش داده اند و چند سال پیش صورت آن در مجله طهران مصور بچاپ رسید استنباط میگردد معلوم میشود که در سفر این نوبت وضع يك

فرستاده دیپلومات را پیدا کرده است در صورتیکه تذکره‌های قبلی او از نمونه‌های عادی بوده است .

سید به شرحی که در نامه خود به ناصرالدین شاه نوشته فریب امین‌السلطان را خورد و به پترسبورگ رفت و وارد مذاکره با رجال روسیه شد و علی‌الظاهر روسها را راضی کرد که در صورت تغییر خط‌مشی سیاسی امین‌السلطان از مخالفت با حکومت او دست بردارند ولی حزم و احتیاط روسها مدرکی به دست سید نداد زیرا آنان به ماهیت این امکان بهتر و بیشتر از سید واقف بودند . وجود سید با مأموریت فوق‌العاده دیپلماسی در پترسبورگ و شرکت او در بازار مکاره با ادعای سفارت فوق‌العاده بر خاطر علاء‌الملک وزیر مختار بدیهی است گران‌می‌آمد و ناگزیر زبان قلم را به شکایت از سید و میرزا جعفر سیاح نماینده ایران در مکاره و دوست سید گشوده است و شاید جز این نامه که در مجله چاپ گردید است دهها نامه دیگر در این زمینه به طهران فرستاده باشد. سید دو ماه بعد از ورود شاه به تهران به تصور خود کامیاب از مأموریت سیاسی در روسیه به تهران باز آمد و در زندان مقرر گرفتار شد .

مدتی گذشت و به او مجال دیدار و گزارش داده شد و امین‌الضرب که قاعده مراقب حرکات و زندانبان صمیمی او بود بنا به حسن صداقت و اعتقاد نیکی که به شخص سید جمال‌الدین داشت سید را امیدوار می‌ساخت و شاید مکتوب معهود را هم به صلاح اندیشی و دلالت او به شاه نوشته باشد . این مکتوب که با مداد کم‌رنگی پیش نویس شده مسوده اش در کیف دست‌ساز سید که مشتمل بر تذکره سیاسی صادر از وین با برخی اوراق دیگر خانوادگی و چند نسخه از جراید روسیه همراه بود در سال ۱۳۲۵ به دلالت این جانب در مخزن کهنه و را کد اسناد تجارتنی خانواده حاجی امین‌الضرب و بوسیله جناب آقای دکتر یحیی مهدوی استاد فلسفه دانشگاه کشف شد

و تذکره در اختیار من قرار گرفت که هنگام نشر اسناد سید به ایشان رد شد. در اصالت مسوده مدادی آن مکتوب هیچ تردیدی نیست خطش خط سید است و اصل آن معلوم نیست به چه تریبی در آغاز مشروطه مورد استفاده ناظم الاسلام قرار گرفته و بعداً هم به دست مرحوم عبدالحسین تیمورتاش افتاده بود.

اصولاً در کشوری که يك شاگرد ابدار در خانه شاهی بی آنکه رشد علمی و سیاسی پیدا کرده باشد از راه پیشخدمتی و مزا حگوئی میتواند صدراعظم و اتابک اعظم شود برای سید جمال الدین مأموریت مذاکره با رجال سیاسی روس آنهم مأموریتی که به قصد اغفال سید و استکشاف نیت رجال روس بدو واگذار شده بود افتخاری نیست و مقام سید در نظر سیاستمداران همان روز به مراتب از مرتبه میرزا علی اصغر خان و قابلیت سیاسی او برتر بود زیرا امین السلطان از راه خدعه و نیرنگ و تملق به اتابکی رسیده ولی سید به کمک فکر و اندیشه و زبان و قلم دلیر خود سید جمال شده بود.

سید جلال الاشراف پدر آقای دکتر علی جلالی که حال با حضور آقایان محسن مهدوی و دکتر یحیی مهدوی در روزی که برای کشف اسناد زندگانی سید در بیست سال پیش به سرای حاجی امین الضرب در سر راه امین حضور رفته بودم وصف ملاقات نهفته میرزا علی اصغر خان زاجند روز پیش از قرار دستگیری سید و فرار او به حوزه حضرت عبدالعظیم که با مشاهده او از بیرون تالار پذیرائی در خانه قدیم حاجی امین الضرب انجام گرفته بود نقل کرد و شنیدیم که سید همین گونه مطالب را بی آنکه مرحوم جلالی از مفهوم آنها درست مطلع باشد باعتاب و خطاب با امین السلطان میگفت و از اوشکایت میکرد در حالی که امین السلطان لبخند تلخی بر دهان داشت و سکوت اختیار کرده بود مرحوم سید جلالی (جلال الاشراف) که با دستگاه امین السلطان ارتباط داشت میگفت من بنا بر سابقه از لبخند او همان وقت فهمیدم که کار این سید بزرگوار تمام شده است و مدتی بعد شنیدیم که سید را از حضرت عبدالعظیم، نایب الحکومه زاویه مقدسه

که نوکر شخصی امین السلطان بود گرفته و به خارج تبعید کرده است .
سید بعد از سه ماه که در خانه حاجی امین الضرب دور از حضور مردم بصورت
زندانی محترم زیسته بود در نخستین و آخرین ملاقاتی که با طرف نیرومند و غالب
بر خود داشت چنانکه شایسته فرزند علی باشد دلیرانه سخن گفت و بر او خرده گرفت
و او را به صفاتی ستود که محافظ و وابسته شخص اتابک در کنار مجلس ازدلیری سید
برجان اولر زید .

سید جمال الدین بزرگتر از این بود که دعوی مأموریت ساختگی از قبیل
امین السلطان در روسیه کند و این کار را وسیله اعتبار قرار دهد یا خود را از حقارت به
درجه ای فرود آورد که به چنین نسبتی فخر و مباهات نماید ، آری ، امین السلطان
ناصر الدین شاه را وادار کرد به پسر کشیکچی باشی و سر دسته غلامان رکابی خود
(یعنی موقر السلطنه) دستور بدهد سید را از حرم بیرون بکشند و در روزی از روزهای
سرد زمستان بر روی برف و گل بر زمین تا باغ دارالحکومه کشان کشان ببرند و بر
یابوی لخت بشانند و بسوی قم و کرمانشاهان تبعید کنند ولی همان خداوند
قادر منتقم یا (عادل و حکیم) که در تمام مدت توقیف سید در محل و دارالحکومه زاویه
جز این دو کلمه بر زبان او نمی رفت ، ناصر الدین شاه آمر و امین السلطان محرک و
و موقر السلطنه عامل به انتقام ستمی که به او روا داشته بودند به باد افراه عمل
خود رسانید .

تا بر کسانی که از راه قلم و زبان بر او ستم روا داشته اند چه بگذرد ؟

با دوست دوست باش گر همه آفان دشمنند

کو مرهم است گرد گران نیش میزنند

سعدی